

پیش گفتار

فارغ التحصیل از دانشگاههای کشور به کارهایی چون فروشنده‌گی و مسافر کشی مشغولند؛ پزشکان بیکارند؛ با چاپ يك آگهی استخدام، انبوهی از افراد مدرک دار و بی مدرک به سازمان آگهی دهنده روی می آورند. از این رو تأمین اشتغال به صورت فوری ترین هدف مدیریت سیاسی-اقتصادی کشور در آمده است و ابعاد نگران کننده و آثار آن بر اقتصاد کشور لزوم چاره اندیشی و ارائه راه‌حلهایی برای تعدیل این پدیده نامطلوب اقتصادی را ضروری ساخته است. در این راستا، طرح ضربتی اشتغال و اعزام نیروی کار به خارج از سوی دولت برای تعدیل بیکاری در کشور و اشتغال جوانان بیکار ارائه شده است. در این نوشتار برخی از جوانب طرح ضربتی اشتغال بررسی و تحلیل خواهد شد.

۲- چارچوب طرح ضربتی اشتغال

طرح ضربتی اشتغال، یا طرح ایجاد ۳۰۰ هزار فرصت شغلی تا پایان سال ۸۱، يك راه کار دستوری برای تعدیل مشکل بیکاری است. این طرح تلفیقی از مواد ۴۹ و ۵۶ قانون برنامه سوم و مشتمل بر هفت ماده و شش تبصره است. در این طرح با توجه به اینکه بیش از ۲/۱ میلیون کارگاه دایر در کشور وجود دارد که ۱/۳۶۹ میلیون آنها، یعنی ۹۷ درصدشان، زیر ۱۰ نفر کارگر دارند و بسیاری از این کارگاه‌ها ظرفیت‌های خالی دارند، فرض شده که اگر ۱۵ درصد آنها بتوانند يك نفر نیروی کار جدید را به کار بگیرند، می‌توان تا پایان امسال ۳۰۰ هزار فرصت شغلی جدید پدید آورد. در این طرح برای ایجاد انگیزه به کارگیری نیروی جدید در کارفرمایان، دو سیاست (۱) دادن ۳ میلیون تومان وام بی بهره و با کارمزد ۴ درصد و (۲) معافیت سهم کارفرما از پرداخت حق بیمه نیروی کار، در نظر گرفته شده است. به سخن دیگر، در این طرح برای کارفرمایانی که تمایل به استخدام يك

امروزه بیشتر مسئولان سیاسی و اقتصادی کشور به این نکته آگاهند که بیکاری رفته رفته به يك معضل و يك بحران به مفهوم واقعی آن تبدیل می‌شود. هر سال خیل عظیمی از نیروی کار وارد بازار غیر پویای کار کشور می‌شوند که برای نیمی از آنها هم کار پیدا نمی‌شود.

نگرانی از بیکاری از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که نیروی کار هر سال با نرخ ۴ درصد (حدود ۷۰۰ هزار نفر) رشد می‌کند. بررسی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» نشان می‌دهد که اگر نیروی کار با نرخ ۴ درصدی رشد کند، در سال ۱۳۸۸ چیزی در حدود ۵/۸ تا ۶/۷ میلیون بیکار خواهیم داشت. در بررسی‌های رسمی، آمار بیکاری بین ۱۳ تا ۱۵ درصد و در بررسی‌های غیر رسمی مراکز تحقیقاتی ۱۸ تا ۲۵ درصد برآورد شده است. در حدود ۳/۵ میلیون نفر بیکار آشکار و ۲/۵ الی ۶ میلیون نفر بیکار پنهان در کشور وجود دارد. شواهد آماری نشان می‌دهد که در برنامه‌های اول و دوم توسعه به ترتیب سالانه ۳۸۰ و ۲۸۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است و برای تحقق اهداف اشتغال در برنامه سوم و رساندن نرخ بیکاری در پایان برنامه به کمتر از ۱۲ درصد، لازم است سالانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی ایجاد شود. نرخ رشد اقتصادی لازم برای تحقق این هدف ۶ درصد و نیاز ارزی آن ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تنها در حدود ۴۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است.

ساختار جمعیتی کشور، ورود زنان به بازار کار، تلاش دولت برای پرهیز از گسترش اقتصاد زیرزمینی و... در سالهای آینده نیز تقاضا برای اشتغال را افزایش خواهد داد و با توجه به غیر پویایی بازار کار، محدود بودن ظرفیت اقتصادی کشور، ساختار دولتی و غیر رقابتی اقتصاد و حجم اندک سرمایه‌گذاری، احتمال افزایش بیکاران می‌رود. امروزه بهترین نیروهای

درآمدی بر طرح ضربتی اشتغال

محمد خضری

لحاظ روحی و روانی فقیر می کند و درجایی که افراد عزت نفس خود را از دست می دهند امکان رشد و توسعه اقتصادی عقیم خواهند ماند. افزون بر این، بیکاری هزینه های روانی و اجتماعی هم دارد؛ جرم، ازهم گسیختگی خانواده، افزایش مسایل بهداشتی و روانی از این جمله اند. پیامدهای سیاسی و اجتماعی و بطور کلی گستره برون های منفی بیکاری و ضریب بالای امنیت زدایی آن، دولت را به اقداماتی عاجل وادار می دارد.

خاستگاه دوم این طرح را می توان به باور بسیاری از مسئولان سیاسی و اقتصادی دست اندر کار اشتغال نسبت داد که مسائل ارزی، کمبود نقدینگی و وجود قانون دست و پاگیر کار را از مهمترین مشکلاتی می دانند که بخش تولید و واحدهای اقتصادی کشور با آن روبرو هستند. سیاست یکسان سازی نرخ ارز، اصلاحاتی که اخیراً در قوانین کار صورت گرفته، قوانین تشویق سرمایه گذاری خارجی از جمله اقدامات اصلاحی اقتصادی در راستای تحریک تولید و اشتغال بوده است. چنین برداشت می شود که اگر بتوان مشکل کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی را هم تا حدی برطرف کرد، تولید و در پی آن اشتغال در کشور رونق می گیرد و از گستره نگران کننده بیکاری کاسته می شود.

نفر نیروی کار معرفی شده از سوی ادارات کار و امور اجتماعی داشته باشند، تا ۳ میلیون تومان تسهیلات ارزان قیمت برای مدت ۵ سال و معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما برای مدت ۲ سال منظور شده است. برپایه این طرح هر کارگاه فقط برای یک نفر می تواند از این تسهیلات استفاده کند.

منابع این طرح به میزان ۹۰۰ میلیارد تومان از محل ذخایر قرض الحسنه نظام بانکی تأمین می شود و برای حق بیمه مقرر شده است که سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعتبار لازم را در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار دهد. در این طرح گذشته از این که از عامه مردم بعنوان ناظران طرح اسم برده شده، در ماده ۳ آیین نامه طرح، کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه ها و ادارات مختلف پیش بینی شده است که امر نظارت را به عهده دارند. گروه بازرسان ویژه این طرح مستقیماً از سوی وزیر کار و امور اجتماعی به منظور حصول اطمینان از اجرای درست طرح توسط ادارات کار و امور اجتماعی استان ها مأموریت دارند و گزارشهای آنان مستقیماً به وزیر داده می شود. همچنین، سازمان تأمین اجتماعی موظف است بیمه شدگان این طرح را نیز همچون دیگر بیمه شدگان بر پایه فهرست ماهانه کارفرمایان، اعزام دوره ای بازرسان خود و... تحت نظارت داشته باشد.

○ بررسی های انجام شده نشان می دهد که اگر نیروی کار با نرخ چهار درصدی رشد کند، در سال ۱۳۸۸ چیزی در حدود ۵/۸ تا ۶/۷ میلیون بیکار خواهیم داشت. شواهد آماری گویای این نکته است که برای تحقق یافتن اهداف برنامه سوم در زمینه اشتغال و رسیدن نرخ بیکاری در پایان برنامه به کمتر از ۱۲ درصد، لازم است سالانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی ایجاد شود.

۱- کارآمدی طرح ضربتی اشتغال

واقعیت این است که ایجاد اشتغال وظیفه دولت نیست. دولت باید زمینه ها و بسترهای لازم را آماده کند تا تولید رونق بگیرد و اشتغال خود به خود ایجاد شود. اقدامات دولت مانند دادن تسهیلات ارزان قیمت و تشکیل معاونت های اشتغال، ابزارهای کارآمدی برای کاهش پدیده بیکاری در ساختار اقتصادی کشور نیست و نمی تواند پاسخگویی این مشکل به صورت واقعی و مؤثر باشد. دولت باید بسترها را فراهم کند و موانع را از سر راه ایجاد اشتغال مسوئله بردارد.

۲- خاستگاه طرح ضربتی اشتغال

از یک منظر می توان دو خاستگاه برای طرح ضربتی اشتغال برشمرد. خاستگاه نخست به ماهیت بیکاری و خاستگاه دوم به شرایط اقتصادی کشور برمی گردد. خاستگاه اول به این واقعیت اشاره دارد که بیکاری یک هزینه اقتصادی (فرصتی) است و هر یک درصد نیروی کاری که بیکار می شود چندین میلیارد تومان تولید ناخالص داخلی بالقوه را از کشور دریغ می دارد. بیکاری عزت نفس افراد را در هم می شکند و آنان را به

اصلاح قانون کار، تلاش در راستای کاهش ریسک اقتصادی و... از این جمله است.

رویکرد اقتصادی این طرح زمانی کارآمد است که هزینه فرصتی مبالغی که در قالب تسهیلات ارزان قیمت داده می شود در کمترین حد باشد؛ به این معنی که بیشترین ارزش افزایی [رفاه اجتماعی] این مبالغ صرفاً در انجام گرفتن این طرح ممکن باشد، و اگر بودجه ای که صرف این طرح می شود در هر زمینه دیگری سرمایه گذاری و هزینه شود ارزش اجتماعی کمتری ایجاد کند. همان گونه که خاطر نشان شد بیکاری پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زوانی زیادی دارد و برونی های منفی آن همه افراد جامعه را از راه تحریک ناهنجاری هایی چون دزدی، جرم، فساد، اعتیاد، ازهم گسیختگی خانواده، تخریب عزت نفس و... تهدید خواهد کرد. از این رو مبارزه با پدیده بیکاری، یک تصمیم جمعی نانوشته و خواستی همگانی است که هزینه هایی برای جامعه خواهد داشت، اما از راه کاهش دادن یا از میان بردن بسیاری از ناهنجاری های پیش گفته شده و نیز بالا بردن تولید داخلی، به رفاه اجتماعی خواهد افزود.

بی گمان آثار پسین و پیشین رفاهی ایجاد اشتغال به اندازه ای گسترده است که مردم حاضرند حتی در صورت سنگین بودن هزینه های عملی شدنش نیز آن را تقاضا کنند. بنابراین اگر طرح ضربتی اشتغال به ایجاد اشتغال مورد نظر بینجامد، قطعاً مبالغی که در این راستا سرمایه گذاری می شود، موجه خواهد بود. اما این طرح یک راه کار دستوری برای ایجاد اشتغال است و به نظر می رسد که صرفاً مشکل نقدینگی واحدهای تولیدی را هدف قرار داده باشد. از دید اقتصادی، تجویز راه کارهای دستوری تنها تحت شرایط ویژه و بحرانی، مانند پیش آمدن رکود شدید اقتصادی، موضوعیت پیدا می کند.

در واقع آن چه که می تواند زمینه ایجاد اشتغال موکد را فراهم کند، تدارک یک فضای اجتماعی قابلیت زا و کارآفرین است. در نبود چنین فضایی، راه کارهای دستوری چون طرح ضربتی اشتغال

کارایی لازم را نخواهد داشت و گذشته از ایجاد یک رشته برونی های منفی، در بهترین حالت صرفاً به شاغل کردن شماری از بیکاران و نه ایجاد اشتغال موکد و پویا می انجامد.

۵- فضای اجتماعی قابلیت زا

از یک رویکرد می توان گفت آن چه می تواند زمینه ایجاد اشتغال موکد و پایا را فراهم کند، بستری است که می توان آن را فضای اجتماعی قابلیت زا نامید. این فضا همان فضای کارآفرینی است که در آن واحدهای تولیدی و افراد فرصت هایی تولید و خلق خواهند کرد که هم خود از آن ها بهره مند می شوند و هم زمینه اشتغال و بهره مندی دیگران را فراهم می کند. عناصر فراهم کننده این فضا را می توان مواردی چون (۱) بازارهای رقابتی، (۲) امنیت اقتصادی، (۳) دولت دموکراتیک و (۴) نظام تأمین اجتماعی کارآمد دانست. در این صورت، نتیجه پویا و کارآمد چنین فضایی نیز عبارت خواهد بود از: (۱) هزینه های مبادله اندک، (۲) معناداری تولید، (۳) کارآفرینی و ایجاد اشتغال و (۴) رفاه اجتماعی بالا. در واقع همه شوری های اقتصادی که در رابطه با راه کارهای عملی ایجاد اشتغال شکل گرفته است تدارک چنین فضایی را مسلم می گیرد. در عمل نیز هیچ کشوری رانمی توان سراغ گرفت که بی ایجاد یک فضای اجتماعی قابلیت زا توانسته باشد مشکل بیکاری را به صورت بنیادی حل کند و اشتغال موکد و پویا برای شهروندانش فراهم آورد. در صورت تدارک دیدن چنین فضایی است که سرمایه ها در مجاری اصلی شان جاری می شوند، سرمایه گذاری خارجی بی هزینه سنگین جذب می شود، از ظرفیت های تولیدی به صورت کامل بهره برداری خواهد شد و تولید و در پی آن اشتغال رونق خواهد گرفت. باید تأکید کرد که تنها در صورت فراهم شدن چنین فضایی تولید مزیت پیدا می کند و تجربه بیشتر کشورهای

○ واقعیت این است که ایجاد اشتغال، وظیفه دولت نیست. دولت باید زمینه ها و بسترهای لازم را آماده کند تا تولید رونق بگیرد و اشتغال خود به خود پدید آید. تلاش دولت باید معطوف به برداشتن موانع از سر راه اشتغال موکد باشد و دست زدن به اقداماتی چون اصلاح قانون کار، کاهش دادن ریسکهای اقتصادی و... در این راستا سودمند است.

چند هزار شغل فراهم شده است.

این گونه نگرش به مسئله اشتغال، باعث شده است که بخش بزرگی از افراد شاغل در کشور عملاً ارزش افزایی اقتصادی نداشته باشند و در واقع می توان آنان را بیکار پنهان نامید. بیکاری پنهان يك واقعیت اساسی است که برآمده از (۱) نبود فضای اجتماعی قابلیت‌زا و (۲) نگرش نامناسب به اشتغال در کشور است. نسبت فعالیت در کشور در حدود ۲۵ درصد است، یعنی تنها ۲۵ درصد مردم در بازار کار کشورند در حالی که این نسبت در کشورهای صنعتی بالای ۴۵ درصد است. با وجود ۱۸ میلیون نفر جمعیت فعال در کشور و ظرفیت بالای تولید و خلاقیت و نیز قابلیت‌زایی، صادرات و درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی در کشور بسیار پایین است و این یعنی اتلاف شدید منابع تولید؛ آنچه امروزه با به کار گرفتن ۱۵ میلیون از ۱۸ میلیون نفر جمعیت فعال کشور به دست آوریم، می توانستیم در ۲۵ سال پیش با ۱۲ تا ۱۳ میلیون نفر و با تکنولوژی آن زمان به دست آوریم. از این روز جمعیت شاغلی هم که داریم چیزی در حدود ۲ الی ۳ میلیون نفرشان بیکار پنهانند و چیزی به تولید ناخالص داخلی کشور نمی افزایند و بی گمان اگر بخواهیم تحولات تکنولوژیک در طی این دوره را هم لحاظ کنیم، رقم بیکاری پنهان خیلی بیشتر از این‌ها خواهد شد.

به هر روی صرف شاغل کردن افراد به مثابه نوعی اتلاف منابع و سرمایه‌های ملی عمل می کند و با افزایش هزینه‌های تولید و از جنابیت انداختن آن در بلندمدت، به صورت پدیده‌ای ضد اشتغال در می آید.

۷- رویکرد عدالت افقی در طرح

ضررتی اشتغال

برایه طرح ضررتی اشتغال، کارفرمایان و واحدهای تولیدی که قادر به استخدام يك نفر نیروی کار جدید باشند، صرف نظر از محل

توسعه یافته نشان داده است جایی که تولید مزیت می یابد، (۱) همواره کالاها و خدمات جدیدی تولید خواهد شد، (۲) این کالاها و خدمات رفته رفته با کیفیت بهتر عرضه خواهد شد و (۳) این کالاها و خدمات با بهای پایین تری نیز به شهروندان عرضه خواهد شد. در این صورت برای ایجاد اشتغال، نیازی به راهکارهای دستوری نخواهد بود.

۶- نگرش حاکم

بر طرح ضررتی اشتغال

در نبود فضای اجتماعی قابلیت‌زا، اشتغال مولد و پویا ایجاد نخواهد شد و راهکارهای دستوری بیشتر به شاغل کردن افراد بیکار و نه ایجاد اشتغال مولد در جامعه می انجامد. تجربه چند سال اخیر نشان داده است که مقامات ذیربط در کشور بنا به دلایل سیاسی بیشتر به دنبال شاغل کردن افراد بیکار هستند و طرح ضررتی اشتغال نیز تا اندازه زیادی بر این نگرش استوار است. به نظر می رسد این طرح بنا به ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی و در راستای پوشش دادن به التهاب ناشی از گسترش بیکاری در کشور مطرح شده باشد. در این خصوص سعی می شود به هر قیمتی که شده افراد بیکار شاغل شوند و چه بسا که در این میان بهره‌وری آنان کمتر مطرح باشد. برای مثال، اگر بتوان در صد زیادی از بیکاران کشور را در صنعت قالبی باقی یا فرس به کار گرفت هدف تأمین خواهد شد؛ هر چند ممکن است افرادی که در این گونه صنایع یا فعالیت‌ها به کار گرفته می شوند ارزش افزایی اقتصادی نداشته باشند. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌هایی که در این خصوص انجام می گیرد بر چنین نگرشی استوار است. مثلاً در برنامه‌های سالیانه حساب می شود که برای ایجاد شغل ۱۵ الی ۲۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری لازم است و سپس بودجه‌ای تخصیص داده می شود و اعلام می کنند که مثلاً در سال ۱۳۸۰

○ آنچه می تواند زمینه ایجاد اشتغال مولد را فراهم کند، فضای اجتماعی قابلیت‌زا و کارآفرین است. در نبود چنین فضایی، راهکارهای دستوری کارایی لازم را نخواهد داشت و گذشته از ایجاد يك رشته پیامدهای منفی، در بهترین حالت صرفاً به شاغل کردن شماری از بیکاران و نه پدید آوردن اشتغال پویا و مولد می انجامد.

جغرافیایی و نوع فعالیتشان [تعمیر کاری، صافکاری، مکانیکی، لوله کشی، نجاری و ...]. ۳ میلیون تومان تسهیلات با کار مزد ۴ درصد دریافت خواهند کرد. از این نظر می توان طرح را مبتنی بر نوعی عدالت افقی نسبی دانست؛ به این مفهوم که طرح در صدد است با کار فرمایان و واحدهای تولیدی گوناگون چه به لحاظ نوع کاری که انجام می دهند و چه محل جغرافیایی شان [یعنی موقعیت ها و شرایط نابرابر] برخوردی یکسان داشته باشد.

اما می دانیم که ایجاد یک فرصت شغلی در یک مکان جغرافیایی [مثلاً در تهران] با ایجاد همان شغل در مکان دیگر، و نیز ایجاد دو شغل متفاوت در یک محل جغرافیایی، بودجه و سرمایه گذاری های متفاوتی می طلبد. همچنین برخی از مشاغل بالقوه توان اشتغال زایی ثانوی بیشتری دارند، به گونه ای که با ایجاد فرصت شغلی جدید در یک زمینه، بستر ایجاد مشاغل دیگری نیز خود به خود فراهم خواهد شد. از این رو به نظر می رسد که این رویکرد، کارایی منابعی را که در طرح ضربتی اشتغال سرمایه گذاری می شود کاهش خواهد داد. چه بسا بهتر بود که رویکرد ایجاد عدالت عمودی در این طرح مورد توجه قرار می گرفت، که در آن به افراد و واحدهای تولیدی مختلف و تحت شرایط نابرابر وام ها و تسهیلات نابرابر اما متناسب پرداخت می شد. هر چند در پیش گرفتن چنین سیاستی هزینه های اجرایی خاص خود را دارد، ولی به لحاظ اقتصادی کارایی اش بیشتر است.

۸- برخی پیامدهای احتمالی طرح

ضربتی اشتغال

یکی از ویژگی های اقتصاد کشور، ناتوانی فراهم آوردن اشتغال مورد نیاز جامعه است. عوامل گوناگونی در شکل گیری و تشدید این نارسایی دخیل است که مهم ترین آن ها را می توان مواردی چون (۱) ریسک بالای اقتصادی فعالیت

در کشور، (۲) بهره وری پایین نیروی کار، (۳) قانون کار و قوانین مالیاتی ناکارآمد، (۴) تصدّی گری های دولت، (۵) سرمایه گذاری اندک، (۶) رشد جمعیت، (۷) نبود روحیه کارآفرینی، و بطور کلی (۸) هزینه های بالای مبادله دانست. عوامل مذکور با هم يك ساختار اقتصادی ناکارآمد را پدید آورده اند که هزینه های اجتماعی هر سیاستی را به مراتب بیشتر از آن چه مورد انتظار است بالا خواهند برد. بر این پایه، طرح ضربتی اشتغال گذشته از آثار مثبتی که دارد، يك رشته پیامدهای منفی نیز خواهد داشت که تشویق فعالیت های رانت جوینانه، فساد و تقلب، تورم، افزایش بوروکراسی و هزینه های دولت از آن جمله است.

۸-۱) فساد و تشویق فعالیت های

رانت جوینانه

فساد اداری و تشویق فعالیت های رانت جوینانه از جمله پیامدهایی است که می توان در همه مراحل دریافت تسهیلات و نظارت بر اجرای طرح، احتمال آن را داد. جذابیت تسهیلات ارزان قیمتی که قرار است در چارچوب طرح ضربتی اشتغال ارائه شود به اندازه ای است که افراد را تحریک کند در راستای دستیابی به آن ها منابعی اختصاص دهند. از سوی دیگر، چون همه افراد و واحدهای تولیدی شرایط لازم برای دریافت این تسهیلات را ندارند و مقامات دولتی هستند که این تسهیلات ارزان قیمت را اعطا و واجدان شرایط بهره مندی از آن ها را مشخص می کنند، همواره امکان سوء استفاده از موقعیت و فساد اداری وجود دارد. از دید اقتصادی، هر جا که کالاها و خدمات ارزان قیمت [نسبت به آن چه در بازار رسمی یا غیررسمی وجود دارد] توسط دولت عرضه شود و بوروکرات های دولتی متولی این امر باشند، تحریک شدن فعالیت های رانت جوینانه و فساد اداری اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ بویژه جایی که مدیریت سیاسی-اقتصادی دموکراتیک وجود نداشته باشد این پدیده ها

○ طرح ضربتی اشتغال تا اندازه ای می تواند در تحریک روحیه کارآفرینی مؤثر باشد و بی گمان گسترش تولید و ایجاد اشتغال از جمله آثار ثانویه تحریک روحیه کارآفرینی خواهد بود.

هر چند يك سیستم نظارتی نیز برای اجرای درست این طرح در آیین نامه اجرایی آن در نظر گرفته شده است، ولی با توجه به این که نظارت نیز يك کالای عمومی است که توسط متولیان دولتی این طرح ارائه می شود، لذا همواره کم تر از اندازه لازم عرضه خواهد شد. گذشته از گزاره های غیر رسمی در خصوص فعالیت های رانت جو یانه و تقلب های صورت گرفته در اجرای این طرح و نیز اظهارات بسیاری از دریافت کنندگان این تسهیلات، شواهد رسمی ارائه شده توسط برخی از مراکز دست اندر کار این طرح نیز حاکی از سوء استفاده ها و تقلب هایی تا امروز بوده است. نتایج نمونه گیری کار بازرسی از دو شهرستان در استان آذربایجان غربی نشان می دهد که ۶۰ درصد افراد معرفی شده به کارگاه هایی که قرارداد کار منعقد کرده اند، به کار مشغول نبوده اند. آقای سید هاشمی نماینده مجلس شورای اسلامی در مصاحبه ای با شبکه دوم خبر گفت که در بررسی وضع ۱۱ کارگاهی که وام اشتغال دریافت کرده اند و قاعدتاً می بایست ۱۱ نفر را به کار می گرفتند، معلوم شده است که تنها ۴ نفر از این ۱۱ نفر به کار گرفته شده اند. گزاره های شفاهی و غیر رسمی برخی از دریافت کنندگان این تسهیلات حاکی از این است که در بسیاری موارد کارفرمایان واحدهای تولیدی با افراد معرفی شده از سوی ادارات کار استان برای دریافت این تسهیلات به توافق رسیده اند.

۸۲) ایجاد تورم

اصولاً تورم زمانی پدید می آید که پولی در جامعه تزریق شود و تقاضایی ایجاد گردد، اما به ازای آن تولیدی صورت نگیرد. متولیان طرح ضربتی اشتغال اظهار می دارند که چون تسهیلات اشتغال زایی فقط در برابر استخدام نیروی کار به کارفرمایان پرداخت می شود، و هر يك از کارگران نیز به محض ورود به بازار کار، تولید نهایی بیش از صفر خواهند داشت که به مجموع تولیدات جامعه اضافه می شود، لذا در پیش گرفتن چنین

از دید اقتصادی، هر نوع اعتباری، حتی اعتبارات توسعه ای، به مثابه نوعی تقاضای جدید در جامعه عمل خواهد کرد و با توجه به وقفه زمانی تولید در کوتاه مدت به تورم می انجامد (بین روزی که کارگران به کار گرفته می شوند و روزی که تولیدی برای فروش وجود خواهد داشت يك وقفه زمانی وجود دارد). با توجه به مشکل نقدینگی که گریبانگیر بسیاری از کارگاه ها و واحدهای تولیدی کشور است، این طرح آن ها را به گرفتن تسهیلات اشتغال زایی، حتی در صورت بی نیازی به نیروی کار، تشویق می کند. جذابیت این تسهیلات به اندازه ای هست که بسیاری از کارفرمایان را دچار نزدیک بینی کند و حتی فراتر از ظرفیت واحدهایشان نیروی کار تقاضا کنند و در انتخاب نیروی کار بر کیفیت با نبود مزیت روبرو شوند. پیامد این کار افزایش هزینه های تولید و در نتیجه افزایش قیمت ها خواهد بود. از سوی دیگر، هیچ تضمینی وجود ندارد که کارفرمایان و متقاضیان، این تسهیلات را در چرخه تولید به کار گیرند. در برخی موارد دیده شده است که دریافت کنندگان این تسهیلات، وام های دریافتی را در زمینه های دیگری سرمایه گذاری کرده اند، به علت برجسته بودن مشکل کارفرما - کار گزار، ناهمخوانی اطلاعات و نارسایی در عرضه نظارت، انتظار چنین رفتارهایی چندان دور از انتظار نیست. در هر حال در کوتاه مدت، طرف تقاضا است که بیشتر متأثر می شود نه طرف عرضه؛ و این امر به افزایش نقدینگی و در نتیجه تورم می انجامد و اگر در میان مدت طرف عرضه و تولید متأثر نشود افزایش قیمت ها ادامه خواهد یافت.

۸۳) افزایش بوروکراسی در تمامی

مراحل اجرای طرح ضربتی اشتغال

گردش کار اعطای تسهیلات اشتغال زایی به این صورت است که ابتدا فرم های تقاضای کارفرمایان از طریق ادارات کار و امور اجتماعی استان ها در اختیار متقاضیان قرار می گیرد. سپس

○ طرح ضربتی اشتغال

در زمانی مطرح شده است که بیکاری در کشور ابعاد نگران کننده ای به خود گرفته و گذشته از درآمدهای بالقوه ای که از کشور دریغ می کند، همه افراد جامعه را در معرض آسیب های اجتماعی گوناگون قرار داده است.

که محرک‌های طرح ضربتی اشتغال از جمله تسهیلات ارزان قیمت (۳ میلیارد تومان با کار مزد ۴ درصد) و نیز معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان، بتواند هم هزینه تولید این واحدها را کاهش دهد و هم مشکل نقدینگی‌شان را تا اندازه‌ای برطرف کند و آن‌ها را به بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های خالی و در نتیجه ایجاد اشتغال تشویق کند. تسهیلات ارزان قیمت و معافیت از پرداخت حق بیمه، قدرت تحرک کارفرمایان را در بهره‌گیری از ظرفیت‌های خالی تولید و نیز بهره‌گیری بهینه از منابع افزایش می‌دهد.

۸۵) تشویق روحیه کارآفرینی

بی‌گمان بسیاری از نیروهای کار کشور خلاقیت‌ها و ابتکاراتی دارند که می‌توان با تدارک مقداری سرمایه زمینه‌بروزشان را فراهم آورد. طرح ضربتی اشتغال با به کار گرفتن بخشی از صاحبان این خلاقیت‌ها و ابتکارات و نیز سبک کردن نسبی محدودیت‌های مالی صاحبان واحدهای تولیدی، فرصت عرضه آن‌ها را فراهم می‌آورد. در واقع این طرح می‌تواند تا اندازه‌ای در تحریک روحیه کارآفرینی مؤثر باشد و قطعاً آثار ثانویه تحریک روحیه کارآفرینی، گسترش تولید و ایجاد اشتغال خواهد بود.

۹- نتیجه گیری

طرح ضربتی اشتغال را می‌توان نوعی سیاست اقتصادی دانست که در پی ایجاد ۳۰۰ هزار فرصت شغلی تا پایان سال ۱۳۸۱ در کشور بوده است. این طرح در برهه زمانی مطرح شده است که بیکاری در کشور ابعاد نگران‌کننده‌ای به خود گرفته و گذشته از درآمدهای بالقوه‌ای که از کشور دریغ می‌کند، همه افراد جامعه را در معرض آسیب‌های اجتماعی فراوان قرار داده است. از این رو، به نظر می‌رسد که این راه کار دستوری، بیشتر برای پاسخگویی به افکار عمومی و برخی ملاحظات سیاسی توسط دولت

ادارات کار و امور اجتماعی استان‌ها این درخواست‌ها را دریافت می‌کنند و همراه قرارداد بسته شده میان متقاضی تسهیلات و جویای کار، برای کار گروه اشتغال استان‌ها می‌فرستند. سپس مصوبه کار گروه اشتغال به ادارات کار و امور اجتماعی برگردانده و درخواست متقاضی همراه با مصوبه کار گروه‌های اشتغال و نظرات وزارت کار و امور اجتماعی به بانک‌های عامل ارسال می‌شود. آنگاه متقاضی به بانک مراجعه و بانک نیز در چارچوب ضوابط و آیین‌نامه‌های مربوط با متقاضی قرارداد می‌بندد. در صورت تأمین نشدن شرایط و مدارک پیش‌بینی شده در دستورالعمل، متقاضی بار دیگر به ادارات کار و امور اجتماعی استان‌ها فرستاده می‌شود. همچنین گواهی مجنی بر شروع کار به شعب سازمان تأمین اجتماعی استان‌ها به منظور اعمال معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما ارسال می‌شود. پس از این کارها، اقدامات هماهنگی و نظارتی وزار تخانه‌ها و دستگاه‌های متولی اجرای طرح ضربتی اشتغال شروع می‌شود که برگزاری جلسات متعدد، مراجعات مکرر بوروکرات‌ها و گروه‌های بازرسی به محل کار متقاضیان از آن جمله است.

در هر حال گردش کار این طرح و ماهیت آن نشان از افزایش بوروکراسی دارد که گذشته از افزایش هزینه‌های دولت، کیفیت عرضه خدمات دولتی را کاهش خواهد داد. البته در این فرایند احتمال فساد اداری و تقلب از سوی بوروکرات‌ها را نیز نباید از نظر دور داشت. مجموعه این عوامل، کارایی طرح را کاهش خواهد داد.

۸۴) تشویق واحدهای تولیدی به

بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی

بسیاری از واحدهای تولیدی کشور زیر ظرفیت خود کار می‌کنند و این امر به افزایش هزینه‌های تولید و به دنبال آن محدود شدن بازار و در نتیجه اشتغال انجامیده است. بخشی از این نارسایی به مشکل نقدینگی و ضعف مالی واحدهای تولیدی برمی‌گردد و انتظار این است

○ طرح ضربتی

اشتغال، بیشتر مشکل نقدینگی واحدهای تولیدی را هدف قرار داده و در صدد است با کاهش نسبی این مشکل، واحدهای تولیدی را تشویق کند که نیروی کار جدید به خدمت گیرند؛ در حالی که مشکل نقدینگی، مشکل اساسی و بنیادی واحدهای تولیدی نیست و با پشتوانه صندوق ذخیره ارزی تا اندازه زیادی می‌شود آن را از میان برد.

پیشنهاد شده باشد.

این طرح بیشتر مشکل نقدینگی واحدهای تولیدی را هدف قرار داده و در صدد است که با کاهش نسبی این مشکل آن‌ها را تشویق کند که نیروی کار جدید به خدمت گیرند. چنان که خاطر نشان شد، ایجاد اشتغال موکد و پویا مستلزم وجود فضای اجتماعی قابلیت‌زا است و در سایه نبود چنین فضایی، کارایی نسبی طرح‌هایی چون طرح ضربتی اشتغال کاهش خواهد یافت و اثربخشی تسهیلات ارزان قیمتی که در قالب طرح ضربتی اشتغال اعطا می‌شود پایین خواهد آمد و در خوشبینانه‌ترین حالت به شاغل کردن شماری افراد بیکار در جامعه و نه ایجاد اشتغال موکد و ارزش افزای می‌انجامد.

مشکل نقدینگی، مشکل اساسی و بنیادی واحدهای تولیدی نیست، و گرنه می‌شد با پشتوانه صندوق ذخیره ارزی تا اندازه زیادی آن را از میان

برد؛ که در این صورت به علت افزایش حجم تولید، از آثار تورمی چنین سیاستی هم جلوگیری خواهد شد. مشکل بنیادی واحدهای تولیدی کشور و نیز اشتغال موکد، در نبود یا کمیابی فضای اجتماعی قابلیت‌زا و کار آفرین است و تازمانی که برای از میان بردن این نارسایی تلاش نشود راه کارهای دستوری چون طرح ضربتی اشتغال بعنوان یک راه حل کوتاه مدتی، نقش مسکن را در پرداختن به مشکل اشتغال کشور خواهد داشت و در بهترین حالت آن را به تعویق می‌اندازد. در هر حال، با وجود آثار مثبت کوتاه مدتی که طرح ضربتی اشتغال خواهد داشت، تشویق رفتارهای رانت جویانه، تقلب و فساد اداری، تورم، افزایش بوروکراسی و هزینه‌های دولت از پیامدهای احتمالی این طرح خواهد بود.

✽ آمارهایی که در این گزارش به آن‌ها استناد شده است بیشتر از ماهنامه‌های «اقتصاد ایران» گرفته شده است.

○ با وجود آثار مثبت کوتاه مدتی که طرح ضربتی اشتغال خواهد داشت، تشویق رفتارهای رانت جویانه، تقلب و فساد اداری، تورم، افزایش کاغذبازی و هزینه‌های دولت از پیامدهای احتمالی این طرح خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی